

بررسی زندگی اجتماعی خانواده ها پس از تصادف سرپرست خانواده و تبعات آن؛

درنگی بر طلاق‌های تصادفی

لرستان(پانا)- بعد از ۱۰ سال پرستاری از همسری که بر اثر تصادف ویلچیرنشین شده از او جدا می شود با اینکه بهترین دوران زندگی اش را صرف نگهداری از او کرده، ولی خانه نشینی و بدخلقی همسر باعث می شود تا طلاق تنها راه رهایی از این وضعیت باشد.

به گزارش پانا، از یک زمانی به بعد دیدن جسم بیمارش بر روی تخت شکنجه روح و روانم شده بود هیچ کلمه‌ای نمی گفت جز فحش و ناسزا و آن زمانیکه عصبانی نبود، بین ما سکوتی عمیق حاکم بود. هنوز هم عبارت " آشغال ها را بیرون بگذار!" حالم را بد می کند. زیرا برای مدتها این جمله، تنها گفت گوی بین ما بود. اینها بخشی از صحبت های زنی ۳۸ ساله است.

مهین در پاسخ به این پیشنهاد که بهتر نبود به جای جدایی پرستاری برای همسرت می گرفتی تا خانواده باقی بماند گفت: قابل گفتن نیست؛ گاه پرستاری مستدام از یک بیمار یا بودن و دیدن همسر بیمار و عصبانی که با همه طلبکارانه برخورد می کند، به هیچ وجه قابل تحمل نیست و فقط ترجیح می دهی از آن وضعیت فرار کنی و بس!

این بانوی میانسال که اینک سرپرست خانوار و صاحب فرزند نوجوانی هم است می گوید: اینگونه عزت نفس بیشتری دارم. قبول دارم دخترم اگر در خانواده و کنار پدرش زندگی می کرد از نظر عاطفی کامل تر می شد، ولی من هم کم نمی گذارم و در این شرایط سخت زندگی های امروزی بیرون کار می کنم تا کم نیاوریم. هر چند این روزها با گرانی بنزین شرایط کار سخت تر هم شده است.

او می گوید: ما زندگی خیلی خوبی داشتیم. همسرمان راننده بود تا اینکه بر اثر یک تصادف دچار از کارافتادگی شد و همین سختی ها و مشکلات ما را از نظر مالی و اقتصادی و روحی و روانی هزاران برابر کرد. با اینکه من بخاطر گذران زندگی بعد از این اتفاق شروع به کار در بیرون کردم، ولی در خانه هم آسایش نداشتم و مدام مورد انتقاد و عصبانیت های همسرمان قرار داشتم.

پروانه بانوی جوان دیگری است که او نیز چند وقتی است که از همسرش که بر اثر تصادف قطع نخاع شده جدا شده است. خوشحال تر از مهین به نظر می رسد و می گوید: من سال های زیادی از همسر قطع نخاعی ام پرستاری کردم تا اینکه خودش پیشنهاد داد از هم جدا شویم و من با پسر زندگی کنم و او هم به خانه مادرش بازگردد.

این بانوی سرپرست خانوار ادامه داد: در اندک زمانی که جدا شدیم ؛ عصبی تر شد و با اینکه به مادرش سپرده شده بود ولی تقاضای مادرش این بود که هر چه که هست شرایط سختی دارد و شما بخاطر پسران به زندگی تان ادامه دهید ولی من دیگر توانی برای پرستاری و ادامه زندگی با همسرمان را ندارم.

ماندانا، دختر جوانی که یک سال از زندگی مشترک او می گذرد، یک روز که از محل کارش به سمت خانه بازمی گردد، اتومبیلش واژگون می شود و قطع نخاع می شود، اکنون جدا از همسرش و در منزل مادرش زندگی می کند و نیازمند پرستاری شبانه روزی است.

تبعات اجتماعی تصادفات

این حکایت تنها چند مورد از هزاران خانواده ای است که بر اثر تصادفات جاده ای دچار بحران ها و تبعات ناشی از آن می

شوند؛ تصادف، اگر منجر به مرگ شود، قطعاً خانواده‌هایی را با مشکل مواجه می‌کند، اما مرگ پایان ماجرا نیست؛ بدتر از مرگ هم البته وجود دارد و آن از کارافتادگی همیشگی فرد تصادف کرده، قطع نخاع و نشستن مادام‌العمر بر ویلچیر است که خود آن تجربه مرگ تدریجی برای فرد مصدوم و خانواده اوست.

اما بارزترین پیامد اجتماعی تصادفات جاده‌ای که حاصل خطای انسانی، ناایمنی خودروها و جاده‌های پرخطر است، طلاق است. طلاق که این روزها گفته می‌شود یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی است که در واکاوی علل آن بیشتر از همه به فضای مجازی، اعتیاد، بیکاری و مشکلات اقتصادی اشاره می‌شود، ولی اندکی درنگ بر اثرات اجتماعی تصادفات جاده‌ای هم دور از ذهن نباید باشد.

بنا بر گفته حمید بوالحسنی رئیس دادگستری بروجرد؛ عوامل زیادی از جمله مشکلات اقتصادی و بیکاری در بروز طلاق موثر است و در کنار این عوامل فضای مجازی نیز در طلاق‌ها اثرگذار است و فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی باید مورد آموزش قرار گیرد.

از سوی دیگر بنا بر گفته کارشناسان و فعالان اجتماعی با استناد به آمار رسمی اعلام شده، میزان طلاق در بروجرد رو به افزایش است و با توجه به جمعیت آن در مقایسه با سایر جاهای لرستان بیشترین میزان طلاق را دارد، در همین خصوص بنا بر گفته رضا بهنود جامعه‌شناس و عضو شورای شهر بروجرد این شهر از نظر میزان طلاق وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد.

سالانه ۱۷ هزار نفر بر اثر تصادفات جان خود را از دست می‌دهند

بنا بر آمار رسمی و اعلام شده گفته می‌شود که سالانه ۱۷ هزار نفر بر اثر تصادفات جاده‌ای جان خود را از دست می‌دهند و ۶۵۰ هزار نفر نیز مصدوم می‌شوند. این مصدوم‌ها همان‌ها از کار افتاده‌ها و ناتوان‌هایی هستند که برخی حتی تا همیشه توان کار و زندگی را از دست می‌دهند و در کنار دردهای جسمی گرفتار مشکلات و آسیب‌های اجتماعی هم خواهند شد.

بروجرد در ۹ ماه امسال بیشترین مرگ و میر ناشی از تصادفات در لرستان را داشته است

در استان لرستان بنا بر اعلام مسئولان این استان در ۹ ماهه امسال در بروجرد ۲۶ فقره تصادف با ۴۱ فوتی، خرم‌آباد ۲۹ فقره تصادف با ۳۵ فوتی، دورود ۲۲ فقره تصادف با ۳۲ فوتی، پلدختر ۲۵ فقره تصادف با ۳۲ فوتی، ازنا ۱۳ فقره تصادف با ۱۹ فوتی، الیگودرز هشت فقره تصادف با ۱۰ فوتی، کوه‌دشت ۱۲ فقره تصادف با ۱۵ فوتی و نورآباد ۶ فقره تصادف با ۱۱ فوتی گزارش شده است.

بنا بر همین آمار بیشترین میزان مرگ و میر ناشی از تصادفات جاده‌ای در لرستان مربوط به شهرستان بروجرد بوده است. به طوریکه از ۲۶ فقره تصادف، ۴۱ نفر جان خود را از دست داده‌اند و قطعاً این میزان مرگ و میر، مصدوم‌هایی هم به دنبال داشته است.

۲۷ هزار قطع نخاعی تحت پوشش سازمان بهزیستی

بنا بر گفته مدیرکل دفتر توانمندسازی معلولان کشور سازمان بهزیستی به ۲۷ هزار قطع نخاعی تحت پوشش خود خدمات ارائه می‌دهد؛ کند که ۴۰ درصد این افراد بر اثر تصادف به این وضعیت دچار شده‌اند.

بنا بر گفته مسئولان بهزیستی کشور، در قانون حمایت از حقوق معلولان، به تمام نیازهای معلولان توجه شده است و در حال حاضر نیز برخی بندهای این قانون که نیاز به منابع مالی ندارد، در مرحله اجرا قرار دارد. مابقی بندهای قانون حمایت از حقوق معلولان که به تأمین اعتبار نیاز دارد، بعد از رفع شدن مشکلات مالی اجرایی می‌شود و در این خصوص سایر نهادها نیز باید به کمک معلولان بیایند.

۹۰۰ بیمار ضایعه نخاعی تحت پوشش بهزیستی لرستان

در استان لرستان نیز بنا بر گفته فاطمه زهرا توکلی مدیرکل بهزیستی لرستان، تعداد ۹۰۰ معلول ضایعه نخاعی تحت پوشش بهزیستی استان هستند که علت عمده معلولیت آنها تصادفات و سقوط از ارتفاع گزارش شده است.

به هر روی آنچه که در حد یک تلنگر هم می توان به آن توجه کرد، موضوع تصادفات جاده ای و نگاهی به تبعات اجتماعی آنهاست. با قبول اینکه خطای انسانی هم در بروز این تصادفات نقش دارد و باید آموزش های لازم داده شود، ولی ایمنی اندک خودروهایی که افزایش قیمت آنها روز به روز در حال افزایش است و جاده های ناایمن از دیگر علل بروز تصادفات هستند که باید این سه در کنار هم دیده شوند.

وقتی نهاد خانواده تنها گذاشته می شود

یک جامعه شناس و تحلیل گر مسائل اجتماعی گفت: خانواده هایی که بر اثر تصادف دچار مشکلاتی می شوند باید از سوی نهادهای حمایتی و با برنامه ریزی های منسجم و هدفمند مورد حمایت های لازم اعم از مالی و اجتماعی قرار گیرند تا این احساس رها شدن و فراموش شدن به آنها دست ندهد.

معصومه زارعی افزود: این در حالی است که حمایت های دستگاههای حمایتی هم اکنون به اندک مستمری به افراد نیازمندی که بر اثر تصادف دچار مشکلاتی شده اند، خلاصه می شود که قطعا آن حمایت ها نمی تواند پاسخگوی حتی بخش کوچکی از مشکلات آنها باشد.

این جامعه شناس همچنین گفت: توجه خاص به خانواده هایی که دچار تصادف شده اند و بر اثر این اتفاق، سرپرست خانوار از کار افتاده شده است باید مورد توجه جدی قرار گیرد. قطعا اگر این خانواده ها مورد حمایت قرار گیرند، می توان مانع از بروز جدایی و طلاق در آنها شد.

زارعی با اشاره به ضرورت حمایت بیشتر از این خانواده ها گفت: وجود مراکز همچون کارآفرینی مبتنی بر کار در خانه و خلاقیت هایی در این زمینه می تواند به این منجر شود که حتی آن فرد آسیب دیده از تصادفات که ویلچیر نشین هم شده است، اما ایده های خلاقانه ای ارائه دهد تا مشغول به کار شده و از توانمندی های او استفاده شود.

این تحلیل گر مسائل اجتماعی تاکید کرد: احساس مفید بودن و کارایی داشتن معادل احساس عزت نفس است که به نوعی در برگیرنده حمایت اجتماعی از این افراد است که در عین حال می تواند درآمدهای مالی هم در پی داشته باشد.

این جامعه شناس یادآور شد: زمانی که نه قانون و نه مسئولان و برنامه ریزان، حمایت همه جانبه و تعریف شده ای از افرادی که دچار حوادثی همچون تصادف شده اند ندارد، حمایت های فردی و خانوادگی هم نمی تواند پاسخگو باشد و حتی در مواردی مشاهده می شود که فرد از کارافتاده بر اثر تصادف حتی از سوی خانواده هم به مرور طرد می شود.

تبعات اجتماعی تصادفات همان خانواده های از هم پاشیده، کودکان تنها مانده، طلاق و بسیاری آسیب های اقتصادی و اجتماعی دیگر بر بیکره خانواده هاست و اگر در این هفت خوان معاش و تلاش برای زنده ماندن، ارزشی برای روح و روان انسان ها قائل باشیم، باید پذیرفت که قطعا آسیب های روانی اعم از افسردگی ها و اضطراب هایی را در پی دارد.

در هر حال نهاد خانواده از سوی برنامه ریزان باید مورد حمایت واقعی قرار گیرد و به حال خود رها نشود.

نکته دیگر اینکه در علت یابی طلاق، صرفا بر فضای مجازی تاکید نشود. سایر عوامل هم دیده شوند. هر چند فضای مجازی دیوار کوتاهی شده است که آنجا که حوصله ای برای تحقیق و واکاوی مسائل مختلف نیست همه مشکلات به آن ارتباط داده می شوند، ولی حالا دیگر برای حذف و انکار این فضا دیر شده است، اما می توان برای برون رفت از برخی مشکلات، از همین فضا بهره گرفت.